

دوفصلنامه علمی- پژوهشی حدیث پژوهی
سال نهم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶
صفحه ۱۰۳-۱۲۴

درون‌مایه انجیل در روایات شیعی

حسین حیدری*
رضوان خسروی**

◀ چکیده:

در بسیاری از احادیث و روایات شیعی، سخنان عیسی مسیح علیه السلام نقل شده است. از این دسته، پاره‌ای روایات به طور مستقیم از متن انجیل و با لفظ «فی الانجیل» یا «من الانجیل» آمده است. این روایات می‌تواند دید روشن‌تر و اطلاعات مطمئن‌تری درباره محتوای انجیل و کلام عیسی علیه السلام به دست دهد و جمع‌آوری آن‌ها می‌تواند راهگشا و گره‌گشای پژوهش‌های تازه شود. در مقاله حاضر، منقولات اناجیل در منابع دست اول و متقدم شیعه (زمان شیخ طوسی و پیش از آن) استخراج شده و بدون بررسی سندی آن‌ها- که نیازمند پژوهش‌های دیگر است- با متن اناجیل چهارگانه موجود مقایسه شده است. این تطبیق نشان می‌دهد که بسیاری از روایات شیعی، با درون‌مایه اخلاقی، عیناً در اناجیل کنونی دیده می‌شود؛ ولی از محتوای روایات اسلامی که بیان می‌کند اوصاف اهل بیت علیهم السلام در انجیل آمده، در عهد جدید اثری نیست. تطبیق واژه «احمد» نیز با سیاق متون برجای مانده از اناجیل مورد بحث است. با وجود این، همسویی بسیاری از روایات مذکور نشان می‌دهد که سنت شیعی فی‌الجمله مؤید اناجیل موجود هستند.

◀ **کلیدواژه‌ها:** انجیل، روایات شیعی، حضرت عیسی علیه السلام، مسیحیت، تحریف عهدین.

* دانشیار گروه ادیان و فلسفه، دانشگاه کاشان / heydari@kashanu.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم قرآنی، دانشگاه کاشان / rezvaan.khosravi@gmail.com

مقدمه

در آیات قرآن کریم که به کتاب آسمانی عیسی علیه السلام اشاره شده است، سخنی از تحریف اناجیل نیست و مخاطب آن دسته از آیات که در آن به اهل کتاب انتساب تحریف لفظی یا معنوی داده شده است، یهودیان اند و نه مسیحیان. البته در قرآن کریم برخی عقاید نصارا یا عقاید بعضی از آنان، مورد انتقاد قرار گرفته است؛ از جمله اینکه اهل غلو در دین اند و به خداوند نسبت‌های ناروا داده‌اند و معتقد به تثلیث یا خدایی حضرت مریم‌اند. باین حال، می‌توان با تمسک و استناد به آیاتی مدعی شد که قرآن، انجیل موجود در زمان نزول قرآن را قابل اتکا و امتثال برای مسیحیان می‌داند.^۱

باتوجه به اینکه در قرآن و روایات، بحث تحریف انجیل و زبور مطرح نشده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصل این کتب در دست مردم قرار نگرفته و تغییر نکرده است. در قرآن، چهار بار از تعبیر ایتاء بینات به حضرت عیسی علیه السلام سخن به میان آمده است و دو بار تعبیر ایتاء انجیل؛ که منظور از بینات، معجزات عیسی علیه السلام است. در یک مورد نیز از «آتانی الکتاب» سخن به میان آمده که مربوط به کودکی ایشان و زمانی است که در گهواره سخن گفته است و به احتمال قوی دلالت بر این دارد که خداوند تورات را به ایشان آموخته بوده است. از آیات قرآن چنین برداشت می‌شود که حضرت عیسی علیه السلام کتابی مدون نداشته، بلکه انجیلی که به وی عطا شده است، فقط در اختیار خودش بوده، و حواریون تنها از محتوای آن مطلع شده و مضامینی از آن را مکتوب کردند و چنانچه در آیات بیان شده است فقط برای بیان حکمت، تصدیق تورات، اصلاح برخی موارد اختلافی در تورات و نیز بشارت به آمدن «احمد» آمده است (نک: آل عمران: ۵۰؛ زخرف: ۶۳؛ صف: ۶) و نیازی به داشتن کتاب جدید نبوده است.

(نقوی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۹-۲۰)

این نظر مذکور با باور مسیحیان تا حدودی همسوست که معتقدند انجیل کتاب خاصی نیست، بلکه مژده نجات و خود نجات است و اناجیل مژده و بشارت زندگی و پیام عیسی علیه السلام به روایت حواریون و دیگران درباره نجات است. (Brasher, 2001, I93) در قرآن کریم، لفظ «انجیل» به جای اناجیل به کار رفته است، چنان‌که در عهد جدید هم هیچ‌گاه این کلمه به صورت جمع به کار نرفته است. (غلاطیان ۱: ۶) اما درباره اینکه

قرآن از کدام انجیل سخن می گوید، اختلاف نظر وجود دارد. برخی انجیل مورد نظر قرآن را انجیل دیاتسرون دانسته اند که تا سال ۴۰۰ میلادی، کتاب رسمی مسیحیان در مناطق خاورمیانه بوده و از ادغام چهار انجیل معروف به وجود آمده بوده است. برخی دیگر آن را یکی از اناجیل اپوکریفا برشمرده اند (نقوی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۱-۲۲)، برخی نیز مراد از آن را مجموعه عهد جدید می دانند که گرچه شامل تمام محتویات انجیل واقعی نبوده، فی الجمله حاوی انجیل عیسی بوده است. (شاکر، ۱۳۸۴ش، ص ۸۵) و برخی حتی به فراتر از آن، یعنی تمام کتاب های رسمی و غیررسمی که سخنان حضرت عیسی علیه السلام را منعکس کرده است، قائل اند. (نقوی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳)

از این میان به نظر می رسد تعریفی که انجیل را عبارت از عهد جدید می داند، به واقع نزدیک تر است. چنان که امروزه نیز گاهی از «عهد جدید» به انجیل یاد می شود (نک: شاکر، ۱۳۸۴ش) و در زمان بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز، این مجموعه مدون شده و در اختیار عموم بوده است.

در میان روایات اسلامی می توان روایاتی را یافت که در آن به محتوای انجیل و یا کلام عیسی علیه السلام اشاره شده است. این گونه روایات را می توان در سه دسته خلاصه کرد:

دسته اول، روایاتی است که در آن ها عباراتی از متن انجیل، به طور مستقیم و با لفظ «فی الانجیل» یا «من الانجیل» آمده است. دسته دوم، شامل روایاتی است که کلامی را از قول حضرت مسیح علیه السلام با الفاظی همچون «قال المسیح» یا «قال عیسی» ذکر کرده است. دسته سوم، روایاتی است که شامل وحی خداوند نسبت به عیسی علیه السلام است و اغلب با عبارت «اوحی الله الی عیسی» ذکر شده است.

در این پژوهش، پس از جمع آوری روایات مربوط، صرفاً روایاتی که بیانگر قسمتی از محتوای انجیل بوده است، با محتوای اناجیل چهارگانه (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) مقبول مسیحیان معاصر، مطابقت داده شده است. در انتها نمونه هایی از این دسته روایات که معادل مفهومی آن در اناجیل موجود یافت نمی شود نیز ذکر شده است.

در مقاله حاضر، در حد امکان، از منابع دست اول و متقدم شیعه بهره گرفته شده است. بنابراین عمده روایات، از کتب متقدم (زمان شیخ طوسی و پیش از آن) استخراج شده است. شایان ذکر است که بحث از صحت سند و محتوای این روایات، خارج از

این مقال بوده و نیازمند پژوهشی دیگر است.

۱. انجیل در روایات شیعی

با تفحصی که در روایات صورت گرفت، به خصوص روایات متقدم و دست‌اول، حدود صد روایت به دست آمد که در آن، ذکری از متن و محتوای انجیل آمده است. روایات پس از بررسی و حذف مکررات، به صورت زیر دسته‌بندی شده و سپس با محتوای چهار انجیل کنونی (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) مطابقت داده شد. آنچه در زیر آمده، نتایج تطبیق روایات و اناجیل اربعه است.

۲. آنچه در روایات به نقل از انجیل آمده و در اناجیل کنونی موجود است

۲-۱. مناجات و مواعظ حضرت عیسی علیه السلام

موعظه‌های حضرت عیسی علیه السلام در کتب روایی به صورت کلی و بدون ذکر مصادر معصوم آن‌ها، پشت سر هم ذکر شده است. نویسنده تنها به ذکر این مطلب اکتفا کرده است که برخی از این مواعظ حضرت عیسی علیه السلام از انجیل اخذ شده و برخی دیگر از غیرانجیل، و مشخص ننموده است که دقیقاً کدام یک منقول از انجیل است. بخشی از این مواعظ که دارای نظیر در اناجیل اربعه بوده است، گزارش می‌شود.

– مزد نیکوکاران

«طُوبَى لِلْمُتْرَاحِمِينَ أَوْلَيْكَ هُمُ الْمَرْحُومُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طُوبَى لِلْمُصْلِحِينَ بَيْنَ النَّاسِ أَوْلَيْكَ هُمُ الْمُقَرَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طُوبَى لِلْمُطَهَّرَةِ قُلُوبُهُمْ أَوْلَيْكَ يَزُورُونَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طُوبَى لِلْمُتَوَاضِعِينَ فِي الدُّنْيَا أَوْلَيْكَ يَرْتُونَ مَنَابِرَ الْمُلْكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طُوبَى لِلْمَسَاكِينِ وَ لَهُمْ مَلَكَاتُ السَّمَاءِ طُوبَى لِلْمَحْزُونِينَ هُمُ الَّذِينَ يَسْرُونَ طُوبَى لِلَّذِينَ يَجُوعُونَ وَ يَظْمُونَ خُشُوعاً هُمُ الَّذِينَ يَسْتَقُونَ طُوبَى لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ الْخَيْرَ أَصْفِيَاءُ اللَّهُ يَدْعُونَ طُوبَى لِلْمَسْتَوْبِينَ مِنْ أَجْلِ الطَّهَارَةِ فَإِنَّ لَهُمْ مَلَكَاتِ السَّمَاءِ طُوبَى لَكُمْ إِذَا حَسِدْتُمْ وَ شَتِمْتُمْ وَ قِيلَ فِيكُمْ كُلُّ كَلِمَةٍ قَبِيحَةٍ كَأَذِيَّةٍ حِينَئِذٍ فَاغْرَحُوا وَ ابْتَهَجُوا فَإِنَّ أَجْرَكُمْ قَدْ كَثُرَ فِي السَّمَاءِ» (ابن شعبه حرانی، ۲، ۴۰۴ق، ص ۵۱) [خوشا بر مهرورزان به یکدیگر، هم آنان‌اند که به روز رستاخیز رحمت شوند. خوشا بر سازش‌دهندگان میان مردم، هم آنان‌اند که به روز رستاخیز مقربان‌اند. خوشا بر پاکدلان، آنان‌اند که به روز رستاخیز خدا را دیدار کنند. خوشا بر فروتنان در دنیا، آنان‌اند که به روز رستاخیز سریرهای پادشاهی را به میراث برند. خوشا بر

بینوایان که آنان راست ملکوت آسمان. خوشا بر اندوهگینان، آنان اند که شاد می شوند. خوشا بر آنان که از راه سرسپردگی گرسنگی و تشنگی کشند، هم آنان اند که سیراب شوند خوشا بر آنان که کار نیک کنند، (هم آنانند که) برگزیدگان خدا خوانده شوند. خوشا بر آنان که به خاطر پاکیزگی (درون) ناسزا شنوند، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشا بر شما اگر مورد حسد واقع شوید و دشنام شنوید و در حق شما هر سخن زشت و دروغ گویند؛ در این هنگام شادی کنید و خرم دل شوید، زیرا مزدتان در آسمان فزونی گرفته باشد.^۳ و متناظر آن در انجیل:

«خوشا به حال فقیران در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشا به حال ماتمیان، زیرا آنان تسلی خواهند یافت. خوشا به حال نرم خویان [یا حلیمان]، زیرا آنان زمین را به میراث خواهند برد. خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا آنان سیر خواهند شد. خوشا به حال رحیمان، زیرا بر آنان رحم خواهد شد. خوشا به حال پاکدلان، زیرا آنان خدا را خواهند دید. خوشا به حال صلح جویان، زیرا آنان فرزندان خدا خوانده خواهند شد. خوشا به حال آنان که در راه پارسایی [یا عدالت] آزار می بینند، زیرا پادشاهی آسمان از آن ایشان است. خوشا به حال شما، آنگاه که مردم به خاطر من شما را دشنام دهند و آزار رسانند و هر سخت بدی به دروغ علیه تان بگویند. خوش باشید و شادی کنید زیرا پادشاهان در آسمان عظیم است؛ چراکه همین گونه پیامبرانی را که پیش از شما بودند آزار رسانیدند.» (انجیل متی، ۵: ۳-۱۲)

در انجیل لوقا نیز عبارات مشابهی را می بینیم:

«خوشا به حال شما که تهی هستید، زیرا ملکوت خدا از آن شماست. خوشا به حال شما که گریان هستید، زیرا زمانی خواهد رسید که از خوشی خواهید خندید. خوشا به حال شما، وقتی که مردم به خاطر من، از شما متنفر شوند و شما را در جمع خود راه ندهند و به شما ناسزا گویند و تهمت زنند. در این گونه مواقع شادی کنید. بلی، شاد و مسرور باشید، زیرا در آسمان پادشاه بزرگی در انتظارتان خواهد بود؛ بدانید که با انبیای قدیم نیز مردم همین گونه رفتار کرده اند.» (انجیل لوقا، ۶: ۲۰-۲۳)

– حکم نکردن به جور و دوری از دوستی با دروغگویان

«و روی... مِنَ الْأَنْجِيلِ أَلَا [لَا] تَدِينُوا وَ أَنْتُمْ خَطَاءٌ [خُطَاةٌ] فَيَدَانِ مِنْكُمْ بِالْعَذَابِ لَا تَحْكُمُوا بِالْجَوْرِ فَيَحْكُمَ عَلَيْكُمْ بِالْعَذَابِ بِالْمِكْيَالِ الَّذِي تَكِيلُونَ يَكَالُ لَكُمْ وَ بِالْحُكْمِ الَّذِي تَحْكُمُونَ يَحْكُمُ عَلَيْكُمْ وَ مِنَ الْأَنْجِيلِ أَيْضاً اخْذَرُوا الْكُذَّابَةَ الَّذِيْنَ يَأْتُونَكُمْ بِلِبَاسِ

الْحُمْلَانِ فَهُمْ فِي الْحَقِيقَةِ ذُنَابٌ خَاطِفَةٌ مِنْ ثِمَارِهِمْ تَعْرِفُونَهُمْ لَا يُمْكِنُ الشَّجَرَةَ الطَّيِّبَةَ أَنْ تُثْمِرَ ثَمَرًا رَدِيئًا وَلَا الشَّجَرَةَ الرَّدِيئَةَ أَنْ تُثْمِرَ ثَمَرًا صَالِحَةً» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۲۸).

[و روایت شده در انجیل است که ای دینداران! درحالی که گناهکارید، عذاب از من به شما نزدیک است. به ستم قضاوت نکنید که به عذاب شما حکم شود با هر پیمان‌های که به آن حکم کرده‌اید. نیز در انجیل آمده که اجتناب کنید از دروغ‌گویان که با لباس میش به سوی شما می‌آیند، اما در حقیقت گرگان رباینده‌ای هستند که از سود و بهره‌شان آن‌ها را می‌شناسید. ممکن نیست درخت پاکیزه‌ای میوه پست بدهد و درخت پستی میوه پاکیزه بدهد.]

در انجیل متی نظیر این عبارات چنین آمده است:

«داوری نکنید تا بر شما داوری نشود؛ زیرا به همان‌گونه که بر دیگران داوری کنید، بر شما نیز داوری خواهد شد و با همان پیمان‌ها که وزن کنید، برای شما وزن خواهد شد.» (انجیل متی، ۷: ۱-۲).

«از پیامبران دروغین برحذر باشید که در لباس میش نزد شما می‌آیند، ولی در باطن گریزهای درنده می‌باشند. همان‌طور که از درخت را از میوه‌اش می‌شناسند، ایشان را نیز می‌توان از اعمالشان شناخت. شما یقیناً فرق درخت انگور و خار بیابان، و فرق انجیر و بوته خار را می‌دانید. درخت سالم میوه خوب می‌دهد و درخت فاسد، میوه بد. درخت سالم نمی‌تواند میوه بد بدهد؛ درخت فاسد نیز میوه خوب نمی‌دهد.» (همان، ۷: ۱۵-۱۸).

– نهی از عیب‌جویی

«وَقَالَ يَا عِبِيدَ السَّوِّءِ تَلُومُونَ النَّاسَ عَلَى الظَّنِّ وَلَا تَلُومُونَ أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْيَقِينِ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۱). [و گفت: ای بندگان بد، مردم را بر گمانی سرزنش می‌کنید و خویشتان را با یقین (به عیب خود) سرزنش نمی‌کنید؟]

و در انجیل می‌خوانیم:

«چرا پر کاهی را در چشم برادرت می‌بینی، اما از چوبی که در چشم خود داری غافل؟ چگونه می‌توانی به برادرت بگویی "بگذار پر کاه را از چشمت به‌در آورم"، حال آنکه چوبی در چشم خود داری؟ ای ریاکار! نخست چوب را از چشم خود به‌در آر، آنگاه بهتر خواهی دید تا پر کاه را از چشم برادرت بیرون کنی.» (انجیل متی، ۷: ۳-۵).

– در ذم ریاکاران

الف. «يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ فِيكُمْ مَا لَيْسَ فِيكُمْ وَأَنْ يُشَارَ إِلَيْكُمْ بِالْأَصَابِعِ يَا

عَبِيدَ الدُّنْيَا تَخْلِقُونَ رُءُوسَكُمْ وَ تَقْضُرُونَ قُمْصَكُمْ وَ تَنْكَسُونَ رُءُوسَكُمْ وَ لَا تَنْزِعُونَ الْغِلَّ مِنْ قُلُوبِكُمْ يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا مَثَلِ الْقُبُورِ الْمُشِيدَةِ يَعْجِبُ النَّاطِرَ ظَهْرُهَا وَ دَاخِلُهَا عِظَامُ الْمَوْتَى مَمْلُوءَةٌ خَطَايَا.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۱) [ای دنیا بندگان! دوست دارید که آنچه در وجود شما نیست، در حق شما (نکو) گویند و انگشت نما (و نامدار) باشید. ای دنیا بندگان! سرتان را می تراشید و پیراهن کوتاه می پوشید و سر به زیر می افکنید^۴ ولی کینه از دل هایتان نمی زدایدید؟! ای بندگان بد! نمودگار شما چون گورهای آراسته و استوار ساخته باشد که برونش بیننده را خیره کند و درونش استخوان های مردگان آکنده از گناه است.]

در انجیل لوقا آمده است:

«وای بر شما فریسیان! زیرا دوست دارید در بهترین جای کنیسه ها بنشینید و مردم در کوچه و بازار شما را سلام گویند. وای بر شما! زیرا همچون گورهایی ناپیدا بید که مردم از کنار تان رد می شوند بی آنکه بدانند چقدر فاسد هستید.» (انجیل لوقا، ۱۱: ۴۳-۴۴)

در انجیل متی نیز عبارات مشابهی وجود دارد:

«وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما از سویی خانه بیوه زنان را غارت می کند و از دیگر سو، برای تظاهر، دعای خود را طول می دهید...» (انجیل متی، ۲۳: ۱۴)

«وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما همچون گورهایی هستید سفیدکاری شده که از بیرون زیبا به نظر می رسند، اما درون آن ها پر است از استخوان های مردگان و انواع نجاسات.» (همان، ۲۳: ۲۵-۲۷).

ب. «بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ مَاذَا يَغْنِي عَنِ الْجَسَدِ إِذَا كَانَ ظَاهِرُهُ صَاحِحًا وَ بَاطِنُهُ فَاسِدًا وَ مَا تَغْنِي عَنْكُمْ أَجْسَادُكُمْ إِذَا أُعْجِبَتْكُمْ وَ قَدْ فَسَدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ مَا يَغْنِي عَنْكُمْ أَنْ تَنْقُوا جُلُودَكُمْ وَ قُلُوبَكُمْ دَنَسَةً.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱۰) [به حقیقت به شما می گویم: «پیکر را چه سودی دهد که ظاهرش درست و باطنش تباه و پوسیده باشد؟ پیکرهای شما چه سودی تان بخشد که از آن ها خوششان آید و دل هایتان تباه باشد؟ و شما را چه سود که پوست هایتان را پاکیزه و دل هایتان را چرکین دارید؟»]

مشابه همین عبارت، خطاب به فریسیان در انجیل آمده است:

«شما فریسیان ظاهر تان را می شوید و پاک می سازید، اما باطن تان ناپاک است و پر از حرص و طمع و شرارت! ای نادانان! آیا همان خدایی که ظاهر را ساخت، باطن را

نساخت؟» (انجیل لوقا، ۱۱: ۳۹-۴۰)

- پرهیز از حرام

«یا بَنِي إِسْرَائِيلَ أَمَا تَسْتَحْيُونَ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَحَدَكُمُ لَيَسُوغُ لَهُ شَرَابُهُ حَتَّىٰ يَصْفِيَهُ مِنْ الْقَدَىٰ وَلَا يَبَالِي أَنْ يَبْلُغَ أَثْمَالَ الْفِيلَةِ مِنَ الْحَرَامِ.» (ابن شعبه حرانی، ۴۰۴ق، ص ۵۰۳) [ای بنی اسرائیل، آیا از خدا شرم ندارید که هریک از شما تا شرابش را از خاشاک صافی نکند به کامش گوارا نیاید، ولی پروایی ندارد که پیلواری حرام را در کام کشد؟]

در انجیل، عبارتی نزدیک به عبارت فوق به چشم می خورد:

«وای بر شما ای علمای دین و فریسیان ریاکار! شما از سوئی خانه بیوه زنان را غارت می کند و از دیگر سو، برای تظاهر، دعای خود را طول می دهید.» (انجیل متی، ۲۳: ۱۴) «ای راهنمایان کور! شما پشه را از صافی عبور می دهید اما شتر را فرو می بلعید؟!» (همان، ۲۳: ۲۴).

- پاکی دیده

«إِيَّاكُمْ وَالنَّظْرَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقُلُوبِ الشَّهْوَةَ وَكَفَىٰ بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً طُوبَىٰ لِمَنْ جَعَلَ بَصَرَهُ فِي قَلْبِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ قَلْبَهُ فِي نَظْرِ عَيْنِهِ لَا تَنْظُرُوا فِي عُيُوبِ النَّاسِ كَالْأَرْبَابِ وَ أَنْظُرُوا فِي عُيُوبِهِمْ كَهَيْئَةِ عَبِيدِ النَّاسِ.» (ابن شعبه حرانی، ۴۰۴ق، ص ۵۰۲) [از یک نظر باختن هم پرهیزید زیرا (همان یک نظر آلوده بذر) شهوت را در دل بکارد و همین برای فتنه بازی صاحبش بس باشد. خوشا بر آنکه دیده اش را در دلش نهاده اند و (زمام) دلش را به نظر بازی دیده اش نداده اند. به عیب های مردم چون ارباب منگرید، بلکه در عیب های آنان چون بنده مردمان نگرید.]

در انجیل نیز عباراتی در خصوص دیده و نظر وجود دارد که بی شباهت به آنچه در روایت فوق آمده نیست:

«چشم، چراغ وجود انسان است. اگر چشم تو پاک باشد، تمام وجودت نیز پاک و روشن خواهد بود؛ ولی اگر چشمت با شهوت و طمع تیره شده باشد، تمام وجودت هم در تاریکی عمیقی فرو خواهد رفت.» (انجیل متی، ۶: ۲۲-۲۳)

- محبت و بخشایش بی دریغ

«أَلَمْ تَسْمَعُوا أَنَّهُ قِيلَ لَكُمْ فِي التَّوْرَةِ صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ كَافُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ أَنَا أَقُولُ لَكُمْ صَلُّوا مَنْ قَطَعَكُمْ وَ أَعْطُوا مَنْ مَنَعَكُمْ وَ أَحْسِنُوا إِلَيَّ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَيَّ

مَنْ سَبَّكُمْ وَ انْصَبُوا مِنْ خَاصَمِكُمْ وَ اغْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكُمْ كَمَا انْتُمْ تُجِبُونَ اَنْ يَغْفَى عَنْ اِسَاءَتِكُمْ فَاعْتَبِرُوا بِعَفْوِ اللّٰهِ عَنْكُمْ اَلَا تَرَوْنَ اَنْ شَمْسُهُ اشْرَقَتْ عَلٰى الْاَبْرَارِ وَ الْفَجَارِ مِنْكُمْ وَ اَنْ مَطْرَهُ يَنْزِلُ عَلٰى الصّٰلِحِيْنَ وَ الْخٰطِئِيْنَ مِنْكُمْ فَاِنْ كُنْتُمْ لَا تُحِبُّونَ اِلَّا مَنْ اَحَبَّكُمْ وَ لَا تُحْسِنُوْنَ اِلَّا اِلَى مَنْ اَحْسَنَ اِلَيْكُمْ وَ لَا تُكٰفِرُوْنَ اِلَّا مَنْ اَعْطَاكُمْ فَمَا فَضَلْكُمْ اِذَا عَلٰى غَيْرِكُمْ وَ قَدْ يَصْنَعُ هٰذَا السُّفَهَاءُ الَّذِيْنَ لَيْسَتْ عِنْدَهُمْ فَضُوْلٌ وَ لَا لَهُمْ اَحْلَامٌ وَ لَكِنْ اِنْ اُرَدْتُمْ اَنْ تَكُوْنُوْا اَحْبَاءَ اللّٰهِ وَ اَصْفِيَاءَ اللّٰهِ فَاحْسِنُوْا اِلَى مَنْ اَسَاءَ اِلَيْكُمْ وَ اغْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلٰى مَنْ اَعْرَضَ عَنْكُمْ اسْمِعُوا قَوْلِيْ وَ اَحْفَظُوا وَصِيَّتِيْ وَ ارْعَوْا عَهْدِيْ كَيْمَا تَكُوْنُوْا غُلَمَاءَ فَفَهَاءَ» (ابن شعبه حرانی، ۴۰۴ق، ص ۵۰۳) [آیا نشنیدید که در تورات به شما گفتند: «صله رحم کنید و به خویشاوندان رو آورید و پاداش متقابل دهید»؟ و من به شما می گویم: «با آن که از شما گسسته، بیوندید و به آن که از شما دریغ ورزیده عطا کنید و به آن که با شما بدی کرده، نیکی کنید و به آن که دشنامتان داده، سلام گویند و با آن که به دشمنی شما برخاسته، انصاف ورزید و از آن که به شما ستم کرده، بگذرید؛ همان گونه که دوست دارید بدی شما را ببخشند. پس از بخشایش خدا بر خویشتن عبرت گیرید. آیا نمی بینید که خورشیدش بر نکوکار و تبهکار شما یکسان می تابد و بارانش بر نیکان و بدان شما یک نواخت فرومی بارد. اگر چنان بودید که جز کسی را که شما را دوست بدارد، دوست نمی داشتید و جز به کسی که به شما نیکی کرده احسان نمی کردید و جز به کسی که به شما بخششی کرده پاداشی نمی دادید، آنگاه مزیت شما بر دیگران چه می بود؟ زیرا بی خردان هم که فضل و درایتی ندارند همین می کنند. ولی اگر می خواهید دوستان و برگزیدگان خدا باشید، با آن کس که به شما بدی کند، نیکی کنید و بر آن کس که به شما ستم کند، ببخشاید و به آن کس که از شما رو بگرداند، سلام گویند. سخنم را بشنوید و سفارشم را نگه دارید و پیمانم را مراعات کنید تا دانایانی با فهم باشید».]

و در انجیل می خوانیم:

«شنیده اید که گفته شده "همسایه ات را محبت نما و با دشمنت دشمنی کن"؛ اما من به شما می گویم دشمنان خود را محبت نمایید و برای آنان که به شما آزار می رسانند، دعای خیر کنید، تا پدر خود را که در آسمان است، فرزندان باشید؛ زیرا او آفتاب خود را بر بدان و نیکان می تاباند و باران خود را بر پارسایان و بدکاران می باراند. اگر تنها آنان را محبت کنید که شما را محبت می کنند، چه پاداشی خواهید داشت؟ آیا حتی خراج گیران چنین نمی کنند؟ و اگر تنها

برادران خود را سلام گوید، چه برتری بر دیگران دارید؟ مگر حتی بت پرستان چنین نمی‌کنند؟ پس شما کامل باشید چنان‌که پدر آسمانی شما کامل است.» (انجیل متی، ۵: ۴۳-۴۸؛ همچنین نک: انجیل لوقا، ۶: ۲۷-۳۶)

– توصیه به اندوختن دارایی‌های معنوی

«بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنْ قُلُوبِكُمْ بِحَيْثُ تَكُونُ كُنُوزَكُمْ وَ لِذَلِكَ النَّاسُ يَجُبُّونَ أَمْوَالَهُمْ وَ تَتَوَقَّؤُا إِلَيْهَا أَنْفُسُهُمْ فَضَعُؤُوا كُنُوزَكُمْ فِي السَّمَاءِ حَيْثُ لَا يَأْكُلُهَا السُّوسُ وَ لَا يِنَالُهَا اللَّصُوصُ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۳) [به حقیقت به شما می‌گویم: «به راستی، دل‌های شما همان‌جاست که گنجینه‌های شماست. از این رو مردم دارایی‌های خود را دوست دارند و جان‌هایشان مشتاق آن است. پس گنجینه‌های خود را در آسمان نهید که نه آفت خوردش و نه دزدان بر آن دست یابند.»]

عبارات مشابه این کلام در انجیل چنین است:

«ثروت خود را بر روی این زمین نیندوکید؛ زیرا ممکن است بید یا زنگ به آن آسیب رسانند و یا دزد آن را برآید. ثروتان را در آسمان بیندوکید، در جایی که از بید و زنگ و دزد خبری نیست. اگر ثروت شما در آسمان باشد، فکر و دلتان نیز در آنجا خواهد بود.» (انجیل متی، ۶: ۱۹-۲۱)

– تزام حب خدا و حب دنیا

الف. «بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنْ الْعَبْدَ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَخْدُمَ رَبَّيْنِ وَ لَا مَحَالَةَ أَنَّهُ يُوَثِّرُ أَحَدَهُمَا عَلَى الْآخِرِ وَ إِنْ جَهَدَ كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ لَكُمْ حُبُّ اللَّهِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۳) [به حقیقت به شما می‌گویم: «به راستی بنده نمی‌تواند دو برده‌دار را خدمت کند و هرچه بکوشد ناگزیر یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهد؛ همچنین دوستی خدا و دوستی دنیا برای شما فراهم نیاید.»]

در انجیل آمده است:

«نمی‌توانی به دو ارباب خدمت کنی. باید فقط یکی از آن‌ها را دوست داشته باشی و فقط به یکی وفادار بمانی. همچنین نمی‌توانی هم بنده خدا باشی و هم بنده پول.» (انجیل متی، ۶: ۲۴ و نک: ۱۶: ۱۳)

ب. «بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ مَنْ لَا يَنْفَى مِنْ زَرْعِهِ الْحَشِيشَ يَكْثُرُ فِيهِ حَتَّى يَغْمُرَهُ فَيَفْسِدَهُ وَ كَذَلِكَ مَنْ لَا يَخْرِجُ مِنْ قَلْبِهِ حُبَّ الدُّنْيَا يَغْمُرُهُ حَتَّى لَا يَجِدَ لِحَبِّ الْآخِرَةِ طَعْمًا.»

(ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۹) [به حقیقت به شما می گویم: «کسی که هرزه گیاه را از کشت خود وجین نکند، علف چندان زیاد شود که همه جا را فروگیرد و تمامی کشت را تباه کند. همچنین هرکه دنیا دوستی را از دل خود برنکند، آن را فراگیرد، چندان که برای دوستی آخرت مزه ای در دل نیابد»].

چنین تعبیری را در یکی از مثال های انجیل می توان یافت:

«گوش کنید! روزی کشاورزی رفت تا در مزرعه اش تخم بکارد. هنگامی که تخم می پاشید، مقداری از تخم ها در جاده افتاد و پرنده ها آمده، آن ها را از آن زمین خشک برداشتند و خوردند. مقداری نیز روی خاکی افتاد که زیرش سنگ بود؛ به همین خاطر زود سبز شدند، ولی طولی نکشید که زیر حرارت آفتاب سوختند و از بین رفتند، چون ریشه محکمی نداشتند. بعضی از تخم ها نیز در میان خارها ریختند؛ خارها دور آن ها را گرفتند و نگذاشتند ثمری بدهند. اما مقداری از تخم ها در زمین خوب و حاصلخیز افتاد و سی برابر زیادتر و بعضی ها تا شصت و حتی صد برابر ثمر دادند...» (انجیل مرقس، ۴: ۸۳)

منظور از کشاورز کسی است که پیام خدا را مانند تخم در دل مردم می کارد. آن جاده خشک که بعضی تخم ها بر آن افتاد، دل سنگ کسانی است که پیام خدا را می شنوند، ولی چون قلبشان سخت است، فوراً شیطان می آید و آنچه را کاشته شده است می رباید. خاکی که زیرش سنگ بود، دل کسانی است که با خوشحالی پیام خدا را می شنوند؛ ولی مانند آن نهال تازه، چون ریشه عمیقی نمی دوانند، گرچه اول خوب پیش می روند همین که آزار و اذیتی ببینند، فوری ایمان خود را از دست می دهند. زمینی که از خارها پوشیده شده بود، مانند دل اشخاصی است که پیام را قبول می کنند؛ اما چیزی نمی گذرد که گرفتاری های زندگی، عشق به ثروت، شهرت طلبی و علاقه به چیزهای دیگر آن قدر فکرشان را مشغول می کند که دیگر جایی برای پیام خدا در قلبشان باقی نمی ماند؛ در نتیجه هیچ ثمره ای به بار نمی آید. و اما زمین خوب و حاصلخیز، دل انسان هایی است که پیام خدا را با جان و دل می پذیرند و در مقابل، سی برابر، شصت و حتی صد برابر ثمر می دهند. (همان، ۴: ۲۰-۱۴)

– پرهیز از دروغگویان

«فَاحْفَظُوا مِنْ الْعُلَمَاءِ الْكَذِبَةِ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ ثِيَابُ الصُّوفِ مُنْكَسِي رُءُوسِهِمْ إِلَى الْأَرْضِ يَزُورُونَ بِهِنَّ الْخَطَايَا يَرْمُقُونَ مِنْ تَحْتِ حَوَاجِبِهِمْ كَمَا تَرْمُقُ الذَّبَابُ وَقَوْلُهُمْ

يَخَالِفُ فِعْلَهُمْ وَ هَلْ يَجْتَنِي مِنَ الْعَوْسَجِ الْعِنَبُ وَ مِنَ الْحَنْظَلِ التَّيْنُ وَ كَذَلِكَ لَيُؤْتِرُ قَوْلُ الْعَالِمِ الْكَاذِبِ إِلَّا زُوراً وَ كَيْسَ كُلُّ مَنْ يَقُولُ يَصْدُقُ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۴) [پس از دانایان دروغ‌زن خود را حفظ کنید، آنان که پشمینه پوشند و سر خود به زیر افکنند تا خطاهای خویش را به تزویر، درست وانمود کنند و از زیر ابرویشان خیره نگرند چنان‌که گرگان خیره نگرند و سخنانشان مخالف کردارشان باشد. آیا از خاربن عوسج^۵ انگور، و از بوته حنظل انجیر چیده شود؟ همچنین گفته‌ی دانای دروغ‌زن را جز تزویر اثری نباشد و نه چنان است که هر که سخنی گوید راست گوید.]

عبارت زیر از انجیل، با عبارات فوق، قرابت معنایی بسیار دارد:

«از پیامبران دروغین برحذر باشید که در لباس میش نزد شما می‌آیند، ولی در باطن گرگ‌های درنده می‌باشند. همان‌طور که از درخت را از میوه‌اش می‌شناسند، ایشان را نیز می‌توان از اعمالشان شناخت. شما یقیناً فرق درخت انگور و خار بیابان، و فرق انجیر و بوته خار را می‌دانید. درخت سالم میوه خوب می‌دهد و درخت فاسد، میوه بد. درخت سالم نمی‌تواند میوه بد بدهد؛ درخت فاسد نیز میوه خوب نمی‌دهد.» (انجیل متی، ۷: ۱۸-۱۵)

– نهی از سوگند خوردن

«بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْمُرُكُمْ [أَنْ لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ لَاكَاذِبِينَ وَ أَنَا أَقُولُ] أَنْ لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَ لَاكَاذِبِينَ وَ لَكِنْ قُولُوا لَا وَ نَعَمْ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۹) یعنی: به حقیقت به شما می‌گویم: «همانا موسی عليه السلام به شما فرموده است: [«سوگند دروغ به خدا نخورید.» و من می‌گویم]: «سوگند به خدا نخورید، چه راست و چه دروغ؛ بلکه بگویید: «نه» و «آری».

در انجیل نزدیک به این معنا چنین آمده است:

«گفته شده است که قسم دروغ نخور و هرگاه به نام خدا قسم یاد کنی، آن را وفا کن. اما من می‌گویم: هیچ‌گاه قسم نخور، نه به آسمان که تخت خداست، و نه به زمین که پای‌انداز اوست و نه به اورشلیم که شهر آن پادشاه بزرگ است؛ به هیچ‌یک از این‌ها سوگند یاد نکن. به سر خود نیز قسم نخور، زیرا قادر نیستی مویی را سفید یا سیاه گردانی. فقط بگ: بلی یا نه. همین کافی است.» (انجیل متی، ۵: ۳۳-۳۷).

– پاسخگویی در قیامت

«بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ كُلَّ كَلِمَةٍ سَيِّئَةٍ تَقُولُونَ بِهَا تُعْطَوْنَ جَوَابَهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (ابن شعبه

حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱۰) [به حقیقت به شما می گویم: «هر کلمه بدی که امروز گویند، فردا به قیامت پاسخش را بشنوید»].

و در انجیل می خوانیم:

«این را نیز به شما بگویم که برای هر سخن بیهوده، باید در روز داوری، به خدا جواب بدهید.» (انجیل متی، ۱۲: ۳۶)

– حق الناس مقدم بر حق الله

«یا عِبِيدَ السَّوِّءِ إِذَا قَرَّبَ أَحَدُكُمْ قُرْبَانَهُ لِيَذْبَحَهُ فَذَكَرَ أَنَّ أَحَاهُ وَاجِدٌ عَلَيْهِ فَلْيَتْرُكْ قُرْبَانَهُ وَ لِيَذْهَبْ إِلَىٰ أُخِيهِ فَلْيَرْضِهِ ثُمَّ لِيَرْجِعْ إِلَىٰ قُرْبَانِهِ فَلْيَذْبَحْهُ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱۰) [ای بندگان بد! هرگاه یکی از شما آهنگ قربانی گذراندن خود کند و به یاد آرد که برادرش را بر او حقی است، باید قربانی را بگذارد و نزد برادرش رود و او را خرسند سازد؛ آنگاه باز گردد و قربانی خود را سر ببرد.]

و متناظر آن در انجیل چنین آمده:

«پس اگر نذری داری و می خواهی گوسفندی در خانه خدا قربانی کنی، و همان لحظه به یادت آید که دوست از تو رنجیده است، گوسفند را همانجا نزد قربانگاه رها کن و اول برو و از دوست عذرخواهی نما و با او آشتی کن؛ آنگاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم کن.» (انجیل متی، ۵: ۲۳-۲۴)

– توصیه به مدارا

«یا عِبِيدَ السَّوِّءِ إِنْ أَخِذَ قَمِيصٌ أَحَدِكُمْ فَلْيَعْطِ رِذَاءَهُ مَعَهُ وَ مَنْ لَطِمَ خَدَّهُ مِنْكُمْ فَلْيَمْكَنْ مِنْ خَدِّهِ الْآخَرَ وَ مَنْ سَخَّرَ مِنْكُمْ مِيلاً فَلْيَذْهَبْ مِيلاً آخَرَ مَعَهُ.» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱۰). [ای بندگان بد! اگر پیراهن یکی از شما را گرفتند، باید قبای خود را نیز بر سر آن دهد و هرکه را بر گونه اش سیلی زدند، باید گونه دیگرش را فرادارد و هر کدامتان را فرسنگی به بیگاری گرفتند، باید فرسنگی دیگر نیز خود همراهی کند.]

و در انجیل این گونه ذکر شده است:

«نیز شنیده اید که گفته شده "چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان". اما من به شما می گویم در برابر شخص شرور نایستید. اگر کسی به گونه راست تو سیلی زند، گونه دیگر را به سوی او بگردان. و هرگاه کسی بخواهد تو را به محکمه کشیده، قبایت را از تو بگیرد، عبایت را نیز به او واگذار. اگر کسی مجبورت کند یک میل با او بروی، دو میل

همراهش برو. (انجیل متی، ۵: ۳۸-۴۱)

– بشارت ظهور پیامبر اسلام ﷺ، خصوصیات وی و اوصیای ایشان

دسته‌ای از روایات به موضوع بشارت آخرین نبی پرداخته و خصوصیات ایشان و اوصیایش را بیان می‌کند. این روایات، صرفاً به بیان این موضوع پرداخته‌اند که در انجیل نام پیامبر ﷺ ذکر شده و وصی ایشان معرفی شده است. در روایتی از ام سلمه آمده که در انجیل نشانه‌های اوصیای بعد از پیامبر ﷺ تا امام عصر ع آمده است. در تعدادی از روایات، صفات روحی و جسمی پیامبر اسلام ﷺ ذکر شده و ایشان آسان‌کننده سختی‌ها و مفسر هر چیزی معرفی شده است. و درنهایت، در روایاتی به این موضوع اشاره شده که در انجیل آمده است که هیچ پیامبری از دنیا نمی‌رود مگر پس از اینکه وصی و خلیفه خود را معرفی کرده باشد. از بین این روایات، تنها موضوع قابل تطبیق، بشارت به ظهور پیامبری «فارقلیطا» نام است که نمونه‌ای از آن‌ها به شرح زیر است:

«قَالَ الرَّضَاءُ ع يَا نَصْرَانِي هَلْ تَعْرِفُ فِي الْأَنْجِيلِ قَوْلَ عِيسَى إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي وَ رَبِّكُمْ وَ الْفَارَقْلِيطَا جَاءَ هُوَ الَّذِي يَشْهَدُ لِي بِالْحَقِّ كَمَا شَهِدْتُ لَهُ وَ هُوَ الَّذِي يَفْسُرُ لَكُمْ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ الَّذِي يَبْدِي فَضَائِحَ الْأَمَمِ وَ هُوَ الَّذِي يَكْسِرُ عَمُودَ الْكُفْرِ فَقَالَ الْجَائِلِيُّ مَا ذَكَرْتَ شَيْئاً مِمَّا فِي الْأَنْجِيلِ إِلَّا وَ نَحْنُ مُقْرُونَ بِهِ فَقَالَ أَتَجِدُ هَذَا فِي الْأَنْجِيلِ تَابِتاً يَا جَائِلِيُّ قَالَ نَعَمْ.» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۴۲۴ و ۴۲۵؛ همو، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۶۲)

[امام رضا ع فرمود: «ای نصرانی! آیا در انجیل قول عیسی را می‌شناسی که فرمود: "به درستی که من رونده‌ام به سوی پروردگار شما و پروردگار خویش و فارقلیطا که در میان حق و باطل فرق می‌کند و جدایی می‌افکند، خواهد آمد و او همان است که برای من به حق گواهی می‌دهد، چنان‌که من برایش گواهی داده‌ام و اوست آن‌که هر چیزی را از برای شما تفسیر و بیان می‌کند و او همان است که رسوایی‌های امت‌ها را آشکار می‌نماید و او همان است که ستون کفر را می‌شکند؟" جائللیق گفت: «خبری را ذکر نکردی از آنچه در انجیل است مگر آنکه ما به آن اقرار داریم.» حضرت فرمود: «ای جائللیق! آیا این را در انجیل ثابت می‌یابی؟» گفت: «آری.»^۷

و نیز:

«قَالَ الرَّضَاءُ عليه السلام: ... وَ فِي الْاَنْجِيلِ مَكْتُوبٌ اِنَّ ابْنَ الْبَرَّةِ ذَاهِبٌ وَ الْفَارَقْلِيطَا جَاءَ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الَّذِي يَخَفُّ الْاَصَارَ وَ يَفْسِّرُ لَكُمْ كُلَّ شَيْءٍ وَ يَشْهَدُ لِي كَمَا شَهِدْتُ لَهُ اَنَا جِئْتُكُمْ بِالْاَمْثَالِ وَ هُوَ يَا تِيكُمْ بِالْاَوْيْلِ.» (همو، ۱۳۹۸ق، ص ۴۲۸) [امام رضا عليه السلام فرمود: «... و در انجیل نوشته شده است که پسر زن نیکوکار رونده است و فارقلیطا بعد از او آینده و او همان است که بارهای گران را سبک می گرداند و تکالیف سخت را آسان می سازد و هر چیزی را از برای شما تفسیر و بیان می کند و از برای من گواهی می دهد، چنان که من برایش گواهی داده ام و من شما را مثلها آورده ام و او شما را تأویل می آورد.]

کلمه «فارقلیطا» چهار بار در انجیل یوحنا آمده است که امروز کلیسا و جامعه مسیحی معنای «تسلی دهنده» را برای آن پذیرفته است. (علیپور، ۱۳۹۰ش، ص ۹۱) اما در ریشه و معنای لفظ فارقلیطا، اختلاف نظرهای زیادی است. این واژه معرب «پاراکلیتوس» در یونانی است که عده ای آن را صفت مفعولی از «پاراکالین» دانسته اند که به معنای «فراخوانده شده» یا «درخواست شده» است. از این رو، برای این کلمه مفاهیمی چون یاری رساندن، وساطت کردن و شفاعت کردن در نظر گرفته می شود. (کریم زاده، ۱۳۸۸ش، ص ۲۷۶-۲۷۷) در حالی که برخی معتقدند اصل این واژه در زبان یونانی، «پریکلیتوس» است و نه «پاراکلیتوس» (فارقلیطا) که به معنای «تسلی دهنده» دلالت دارد. (جدیدی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۵) اما به اعتقاد برخی، فارقلیطا ترجمه عربی پریکلیتوس در یونانی است که در اصل، سریانی بوده و بعضی آن را به معنای «ستوده شده» می دانند که معادل واژگان «احمد» و «محمد» در عربی است. (علیپور، ۱۳۹۰ش، ص ۹۱) و براین اساس، معتقدند که در انجیل بشارت به ظهور پیامبر آخر، با ذکر نام ایشان داده شده است.

از سویی، مفهوم عباراتی که این واژه در آنها به کار رفته، به گونه ای است که این نظر را که فارقلیطا اشاره به پیامبری مصلح دارد که پس از عیسی عليه السلام خواهد آمد و آخرین پیامبر خدا خواهد بود، تقویت می کند. (نک: کریم زاده، ۱۳۸۸ش) به هر حال، معادل این واژه و نیز عبارتی که در دو روایت فوق ذکر شد، در انجیل یوحنا در بخش های زیر آمده است:

- «اگر مرا دوست دارید، آنچه می گویم اطاعت کنید. و من از پدرم درخواست

خواهم کرد تا پشتیبان و "تسلّی بخش" دیگری به شما عطا نماید که همیشه با شما بماند. این پشتیبان و تسلّی بخش همان روح پاک خداوند است که شما را با تمام حقایق آشنا خواهد کرد.» (انجیل یوحنا، ۱۴: ۱۵-۱۷)

- «این چیزها را اکنون که با شما هستم، می گویم. ولی وقتی خدای پدر "تسلّی بخش" را به جای من فرستاد، منظورم همان روح القدس است، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد؛ در ضمن هرچه من به شما گفته‌ام، به یادتان خواهد آورد.» (انجیل یوحنا، ۱۴: ۲۵-۲۶)

- «اما من آن "تسلّی بخش" را که روح پاک خداست، به کمک شما خواهم فرستاد. او سرچشمه تمام حقایق است و از طرف پدرم آمده، درباره من همه چیز را به شما خواهد گفت.» (همان، ۱۵: ۲۶)

- «ولی اکنون نزد کسی می روم که مرا فرستاد. اما گویی هیچ یک از شما علاقه ندارد که بدانند منظور من از این رفتن و آمدن چیست. حتی تعجب هم نمی کنید؛ در عوض غمگین و محزونید. ولی در حقیقت رفتن من به نفع شماست، چون اگر نروم، آن "تسلّی بخش" که روح پاک خداست، نزد شما نخواهد آمد.» (همان، ۱۶: ۸۵)

مسیحیان در موارد مذکور، موعود عیسی را روح القدس می دانند و معتقدند همچنان که در عید پنتیکاست روح القدس بر مؤمنان عیسی نازل شد، از آن زمان تا کنون نیز همراه همیشگی ایمان داران است. با این حال، دلیل قاطعی دال بر تطبیق لفظ فارقلیط بر «احمد» یا «محمد» نیست و در حد یک احتمال، این موضوع مطرح است و «پارا کلیتوس» از نظر مفهوم لغوی می تواند تعبیری از نام پیامبر اسلام، "محمد" یا "احمد" تلقی گردد. ماوردی بر این نکته تصریح نموده که فارقلیط از ریشه ای به معنای "حمد" گرفته شده است و ابن قیم بر این امر تصریح دارد که برخی فارقلیط را بر احمد مذکور در قرآن منطبق دانسته اند.» (پاکتچی، مدخل «احمد»، شماره ۲۷۹۷)

۳. آنچه در روایات به نقل از انجیل آمده و در انجیل کنونی نیست

روایاتی در موضوعات مختلف به نقل از انجیل وارد شده است که متناظر آن‌ها در

اناجیل کنونی وجود ندارد. در زیر به برخی از این موضوعات اشاره می‌شود. در بعضی از روایات به این مطلب اشاره شده است که در انجیل نام حضرت علی علیه السلام «حیدار» یا «الیا» یا «هیدارا» آمده است یا مشخصات آن حضرت ذکر شده است و نیز در نعت ایشان و لعن قاتلینشان، مطالبی آمده است که اثری از این مطالب در اناجیل چهارگانه کنونی مشاهده نمی‌شود؛ برای نمونه به این روایت بنگرید:

«إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) لَمَّا رَجَعَ مِنْ وَقْعَةِ الْخَوَارِجِ اجْتَاَزَ بِالزُّورَاءِ [...] فَلَمَّا أَتَى يَمَنَةَ السَّوَادِ فَإِذَا هُوَ بِرَاهِبٍ فِي صَوْمَعَةٍ لَهُ فَقَالَ لَهُ: يَا رَاهِبُ، أَنْزَلُ هَاهُنَا فَقَالَ لَهُ الرَّاهِبُ: لَا تَنْزِلْ هَذِهِ الْأَرْضَ بِجَيْشِكَ. قَالَ: وَلِمَ قَالَ: لِأَنَّهُ لَا يَنْزِلُهَا إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِي نَبِيٍّ بِجَيْشِهِ، يَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ)، هَكَذَا نَجَدُ فِي كُتُبِنَا. فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: فَأَنَا وَصِي سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ. فَقَالَ لَهُ الرَّاهِبُ: فَأَنْتَ إِذَنْ أَصْلَعُ قُرَيْشٍ وَ وَصِي مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ). قَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: أَنَا ذَلِكَ. فَنَزَلَ الرَّاهِبُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: خُذْ عَلَيَّ شَرَائِعَ الْإِسْلَامِ، إِنِّي وَجَدْتُ فِي الْأَنْجِيلِ نَعْتَكَ، وَ أَنْكَ تَنْزِلُ أَرْضَ بَرَاثَا بَيْتِ مَرْيَمَ وَ أَرْضَ عَيْسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ)». (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۹، ۲۰۰) [علی بن الحسین علیه السلام می‌فرمایند: هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ با خوارج برمی‌گشتند از محله «زوراء» در بغداد گذشتند [...] هنگامی که آن حضرت به حومه زوراء رسیدند، با راهبی مواجه گشتند که در صومعه ای به عبادت مشغول بود. راهب خطاب به حضرت امیر گفت: در این مکان منزل نکنید زیرا که مطابق نوشته های انجیل اینجا مکانی است که انبیا و اوصیای آن‌ها به جهاد در راه خدا خواهند پرداخت. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: من وصی اشرف پیامبران محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله هستم. راهب مسیحی که وی را شناخته بود، گفت: تو همانی که در میان قریش به کم رشد بودن موی قسمت پیشین سرت معروف هستی (اصلع قریش). وصف تو را در انجیل خوانده‌ام. تو همانی که وارد سرزمین «براثا» در بغداد می‌شوی و آنجا خانه مریم و عیسی صلی الله علیه و آله است.]^۱ (نک: جوهری بصری، بی تا، ص ۱۷؛ قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۲؛ ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۴۴؛ ابن بابویه [ب]، بی تا، ص ۱۸)

همچنین در روایتی آمده که حسنین علیه السلام در انجیل به نام‌های «طاب» و «طیب» خوانده شده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۳۹۷)؛ و نیز ذکری از نعت مادر امام زمان علیه السلام آمده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۶۰) که این موارد نیز در اناجیل امروزی مشاهده نمی‌شود.

در بین احادیث و روایات، به روایاتی برمی‌خوریم که در آن تلمیحاً به «فدک»، با عنوان «آنچه محمد به دو نوه دختری‌اش بخشید» اشاره شده است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۱)؛ لیکن در این باره نیز مطلقاً در اناجیل چهارگانه مطلبی نیامده است.

در دسته‌ای از روایات، ضمن حکایتی به علم بی‌انتهای اهل بیت (علیهم‌السلام) اشاره شده که در مناظره با یهودیان و یا مسیحیان نمود پیدا کرده و آشکار می‌شود. در برخی از این روایات، آنچه اهل بیت (علیهم‌السلام) در پاسخ به سؤالات پرسش‌گران داده‌اند، به‌عنوان علومی که در انجیل نیز به آن‌ها اشاره شده است معرفی می‌گردد؛ مانند روایتی که در آن از نخستین چیزی که بر روی زمین جنبید، نخستین چیزی که بر روی زمین زاری کرد، فاصله میان حق و باطل، فاصله میان مشرق و مغرب، فاصله میان زمین و آسمان و... سؤال شده و حضرت علی (علیه‌السلام) پاسخ‌هایی به آن‌ها داده‌اند که فرمانروای رومی آن‌ها را مطابق با آنچه در انجیل نازل شده است، دانسته است (ثقفی، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹)؛ اما مطابق محتوای آن در متن اناجیل چیزی یافت نمی‌شود.

در بین روایات، روایت‌های متعددی وجود دارد که اشاره دارد به سفارش انجیل نسبت به کسب علم و حکمت، عمل به آن، و نیز احترام به اهل دانش، ولی در متن اناجیل کنونی، نظایری برای آن‌ها یافت نمی‌شود؛ از جمله این روایات، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

– «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فَسَأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ فَأَجَابَ ثُمَّ عَادَ لِيَسْأَلَ عَنْ مِثْلِهَا فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ مَكْتُوبٌ فِي الْأَنْجِيلِ لَا تَطْلُبُوا عِلْمَ مَا لَا تَعْلَمُونَ وَ لَمَّا تَعْمَلُوا بِمَا عَلِمْتُمْ فَإِنَّ الْعِلْمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِهِ لَمْ يَزِدْ صَاحِبُهُ إِلَّا كُفْرًا وَ لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۴ و ۴۵) [مردی خدمت امام چهارم (علیه‌السلام) آمد و از او مسائلی پرسید و آن حضرت جواب داد. سپس بازگشت تا همچنان پرسد، حضرت فرمود: در انجیل نوشته است: تا بدان چه دانسته‌اید عمل نکرده‌اید از آنچه نمی‌دانید نپرسید، همانا علمی که به آن عمل نشود جز کفر [ناسپاسی] داننده و دوری او را از خدا نیز فزاید.]^۹

– «وَ قَالَ مُقَاتِلُ بْنُ سُلَيْمَانَ وَجَدْتُ فِي الْأَنْجِيلِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِعِيسَى عَظْمِ الْعُلَمَاءِ وَ اعْرِفْ فَضْلَهُمْ فَإِنِّي فَضَّلْتُهُمْ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي إِلَّا النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ كَفَضَلِ

الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ وَ كَفْضِلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا وَ كَفْضِلِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.)) (شهادت ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۲۰-۱۲۱) [مقاتل می گوید: در انجیل یافتیم که خداوند به عیسی علیه السلام می فرماید: دانشمندان را بزرگ دار و برتری آنان را بدان! همانا من آن ها را بر تمام خلقم، مگر بر پیامبران و فرستادگان، برتری داده ام؛ چونان برتری خورشید بر ستارگان، و برتری آخرت بر دنیا، و برتری خویش بر هر چیز!]

همچنین در موضوعاتی مانند نماز، عبادت در نیمه شب، اندوختن توشه اخروی، زهد و شکر نعمت های الهی، فروتنی و گذشت، روایاتی به نقل از انجیل موجود است که مشابه آن در انجیل اربعه وجود ندارد؛ برای نمونه به روایات زیر بنگرید:

«مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ عَنْ بَسْطَامِ الزِّيَّاتِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا قَدِمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْحَبَشَةِ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص أَحَدْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ عَلَى النَّجَاشِيِّ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ وَ هُوَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَ فِي غَيْرِ رِيَّاشِهِ وَ فِي غَيْرِ زِيهِ فَحَيَّيْتُهُ بِتَحِيَّةِ الْمَلِكِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ مَا لِي أُرَاكَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَ فِي غَيْرِ رِيَّاشِهِ وَ فِي غَيْرِ زِيهِ فَقَالَ إِنَّا نَجِدُ فِي الْأَنْجِيلِ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ وَ نَجِدُ فِي الْأَنْجِيلِ أَنْ لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ شَيْءٌ يَغْدِلُهُ مِثْلُ التَّوَّاضِعِ وَ إِنَّهُ وَرَدَ عَلَى فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُحَمَّدًا [مُحَمَّدًا] ص قَدْ أَظْفَرَهُ اللَّهُ بِمُشْرِكِي أَهْلِ بَدْرٍ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى بِمَا تَرَى.» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۲ق، ص ۵۷) [امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که جعفر بن ابی طالب از سرزمین حبشه بازگشت، به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: ای رسول خدا! آیا سرگذشت خود را بازگو کنیم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بلی، ای جعفر! و حضرت او را بسیار دوست می داشت. او گفت: روزی بر نجاشی (پادشاه حبشه) وارد شدم درحالی که در غیر مجلس ریاست و وضعیّت و موقعیّت پادشاهی بود، پس بر او تحیت و درود شاهانه گفتم و اظهار داشتیم: ای پادشاه، تو را چه شده که در غیر مجلس شاهی و با وضعیّت مخصوص شاهانه خود نمی بینم؟! گفت: در کتاب انجیل یافته ایم: هر که را خداوند بر او نعمتی ارزانی دارد، شکر او گوید؛ و در انجیل هست: هیچ چیزی همچون تواضع و فروتنی با شکر و سپاس برابری نمی کند.]

ناهماهنگی و عدم وجود این روایات در انجیل اربعه، دو دلیل می تواند داشته باشد: نخست اینکه این روایات بر ساخته و موضوع باشد و عده ای از مسلمانان آن را جهت اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام به انجیل نسبت داده باشند تا شک و شبهه ای درباره اهل

بیت علیه السلام و مواضع ایشان برجای نماند و چنین وانمود کنند که از قرن‌ها پیش وعده ولایت ایشان داده شده و از حقوق آنان همچون «فدک» به وضوح صحبت به میان آمده، بوده است. اما این دلیل تنها می‌تواند آن دسته از روایاتی را که به اهل بیت علیهم السلام مرتبط است، توجیه کند و درباره سایر روایات مرتبط با کسب علم و گرامیداشت مقام عالم و قسمت‌های مربوط به بزرگداشت نماز و مناجات شبانه نمی‌تواند صحیح بوده و انگیزه جاعل را بیان کند.

دلیل دوم اینکه این روایات صحیح باشد و علت اختلافشان ناشی از تغییرات نسخ کتاب مقدس باشد؛ چراکه پیش از نهایی شدن متن کتاب مقدس توسط کلیسا نسخه‌های متعددی از این کتاب در سرزمین‌های گوناگون پراکنده بوده و چه بسا نسخه‌هایی که در این روایات از آن‌ها اخذ شده است، از جمله نسخی باشد که در فرایند قانونی کردن کتاب مقدس در کلیسا مورد قبول واقع نشده و کنار گذاشته شده باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی روایات شیعی که در آن‌ها عباراتی به‌طور مستقیم از متن انجیل با لفظ «فی الانجیل» یا «من الانجیل» آمده است و نیز برآیند کلی این نوشتار نشان می‌دهد که مفاهیم مشترکی در اناجیل اربعه با روایات شیعی - به نقل از انجیل - وجود دارد که حاکی از اشتراک بسیار میان برخی متون اناجیل موجود کنونی در نزد مسیحیان و انجیلی است که ائمه یا اصحاب از آن سخن به میان می‌آورد. بسیاری از روایاتی که درون‌مایه اخلاقی دارند، عیناً در اناجیل کنونی دیده می‌شوند، و روایاتی که مربوط به وعده آمدن «ستوده‌شده» یا «تسلی‌بخش» است و نزد بسیاری از مفسران به پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله تأویل شده است، در تطابق با متن اناجیل اختلاف تفسیری دارد. اما روایاتی که بر حقانیت امامان شیعی دلالت می‌کند، در اناجیل کنونی دیده نمی‌شوند. البته این تحقیق مستلزم بررسی سندی و مفصل روایات مذکور و بررسی دیگر سخنان منسوب به عیسی علیه السلام در روایات شیعی و سنی است، ولی تتبع موجود نشان می‌دهد که دست کم برحسب روایات شیعی، اناجیل موجود نیز فی الجمله - نه لزوماً بالجمله - کلام عیسی علیه السلام است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. «وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائده: ۴۷) و «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ» (همان، ۶۸)
۲. از آنجاکه روایات منقول از تحف‌العقول مرسل است، این احتمال وجود دارد که این موارد از ترجمه عربی اناجیل نقل شده باشد. گرچه این مطلب لطمه‌ای به مقصود این مقاله وارد نمی‌کند؛ چراکه این احتمال نیز نشانگر اهتمام علمای شیعه به اناجیل فعلی است و اگر از آن نقل شده باشد، نشان می‌دهد که به آن اعتنا داشته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت اناجیل فعلی فی‌الجمله مورد تأیید است.
۳. ترجمه اغلب روایات مأخوذ از تحف‌العقول، از کتاب رهاورد خرد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶ش) نقل شده است.
۴. ظاهراً این آداب از ظواهر پارسایی‌نمایی بنی‌اسرائیل در روزگار مسیح عليه السلام بوده است.
۵. عوسج، نوعی خار که آن را شوکل نیز گفته‌اند.
۶. عبارت بین دو قلاب در متن اصلی نیست و از دیگر نسخه‌ها گرفته شده است.
۷. برخی از روایات مأخوذ از التوحید (للسدوق)، از کتاب اسرار التوحید نقل شده است.
۸. در ترجمه این روایت از کتاب «داستان پیامبران یا...» بهره گرفته شده است.
۹. در ترجمه روایات اصول کافی، از ترجمه سیدجواد مصطفوی بهره گرفته شده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس (ترجمه تفسیری)، سایت اینترنتی فارسی نت [http://www.farsinet.com/injil].
۳. انجیل عیسی مسیح، ترجمه هزاره نو، انگلستان: نشر ایلام، ۲۰۱۲م.
۴. ابن بابویه الف، محمد بن علی، اسرار التوحید، ترجمه محمدعلی اردکانی، چ ۱، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا [الف].
۵. _____، التوحید (للسدوق)، چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۶. _____، عیون اخبار الرضا عليه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، چ ۱، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۷. _____، فضائل الشیعه، چ ۱، تهران: اعلمی، بی تا [ب].
۸. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار عليهم السلام، چ ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
۹. ابن شعبه حرانی، حسین بن علی، تحف‌العقول عن آل الرسول عليهم السلام، چ ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۰. _____، رهاورد خرد، ترجمه تحف‌العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ترجمه پرویز اتابکی، چ ۱، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۶ش.

۱۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، ج ۱، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۲. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۱۳. پاکتچی، احمد، «احمد»، شماره ۲۷۹۷، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱، انتشارات مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ش.
۱۴. تقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، الفارات، تحقیق جلال الدین محدث، ج ۱، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ق.
۱۵. جدیدی، ناصر و محمد اقبال قاضی، «پارقلیطا و رسالت جهانی او در انجیل یوحنا»، معرفت ادیان، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۱ش.
۱۶. جوهری بصری، احمد بن عبدالعزیز، مقتضب الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، ج ۱، قم: انتشارات طباطبایی، بی تا.
۱۷. دبلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۱۸. شاکر، محمد کاظم، «انجیل با دو قرائت»، پژوهش های فلسفی کلامی، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۴ش.
۱۹. شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیه المرید، ج ۱، محقق رضا مختاری، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۲۰. طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، ج ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۱. علیپور، فاطمه، «پراکلیتوس در انجیل یوحنا و تجلی آن در عرفان اسلامی»، نشریه تاریخ فلسفه، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰ش.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزائری، ج ۳، قم: دار الكتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۳. کریم زاده، سعید، محمد صلی الله علیه و آله پیامبر موعود، ج ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، تابستان ۱۳۸۸ش.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۵. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، محقق غلامرضا عرفانیان یزدی، ج ۲، قم: المطبعة العلمیه، ۱۴۰۲ق.
۲۶. نقوی، حسین، «تدوین تورات و انجیل از دیدگاه آیات قرآن»، معرفت ادیان، سال سوم، شماره ۹، زمستان ۱۳۹۰ش.